

## بررسی ماهیت عفو متهمان و آثار آن در قانون مجازات ۱۳۹۲

علیرضا سایبانی<sup>۱</sup>، افشین پارسایی<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> استادیار گروه حقوق کیفری و جرم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بندرعباس، ایران

<sup>۲</sup> دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بندرعباس، ایران

### چکیده

عفو، اقدامی مبتنی بر اغماض و مصالح جامعه و فرد است، که با تصویب نهادهای حکومتی اعم از نهاد رهبری یا مجلس قانونگذاری، به منظور متوقف ماندن تعقیب متهمان و یا بخشودن تمام یا قسمتی از مجازات محکومان، صورت می‌گیرد. عفو یکی از موارد سقوط مجازات در حقوق کیفری محسوب می‌شود، که بیانگر اندیشه انسانی است که خود را ملزم به نادیده گرفتن گناه و خطای دیگران می‌نماید. اصولاً نهاد عفو از دیدگاه حقوقی آن در خصوص مجازات و پس از اثبات مجرمیت شخص موضوعیت پیدا می‌کند. البته در بعضی موارد متهمان به ارتکاب جرایم خاص ممکن است مشمول عفو قرار گیرند و تعقیب آنها منتفی شود که اعطای عفو بر حسب مرجع اعطا کننده به عفو عمومی و عفو خصوصی قابل تقسیم است. عفو یکی از عوامل سقوط و یا تخفیف مجازات و نیز ابراز رأفت و محبت نسبت به محکومان است که از طرف عالیترین مقام کشور و یا مرجع قانونگذاری اعطا می‌گردد. عفو که از طریق عالی‌ترین مقام کشور اعطا می‌گردد، عفو خصوصی و عفو دیگر عمومی نامیده می‌شود. بنابراین، گاه عفو بهتر از مجازات، مصلحت جامعه را تأمین می‌کند و از نا آرامی‌ها که منشأ جرایم بسیار است، جلوگیری می‌کند. به نظر می‌رسد در این گونه موارد، عفو عمومی می‌تواند یک اقدام تأمینی و پیشگیری از جرم تلقی شود. بی تردید اجرای مجازات و کامل کردن آن، همیشه بهترین و مؤثرترین شیوه برای اصلاح بزهکار نیست و مصلحت جامعه نیز همیشه در مجازات شدن مجرم نیست.

**واژه‌های کلیدی:** عفو، گذشت، متهمان، جرم، قانون مجازات اسلامی.

## مقدمه

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی اولین بار عفو عمومی به موجب لایحه قانونی شورای انقلاب مصوب ۱۳۵۸ تحقق یافت. بعد از تصویب قانون اساسی در اصل ۱۱۰ بدون تفکیک عفو به موضوع عمومی و خصوصی از اختیارات رهبری تلقی گردید. از آن تاریخ عفو با پیشنهاد رئیس دیوان عالی کشور و بعد از آن رئیس قوه قضائیه و مطابق اصل ۱۱۰ عمل شده است. بنابراین عفو یا تخفیف مجازات در حدود موازین اسلامی بعد از پیشنهاد رئیس قوه قضائیه با رهبری است. همچنین لازم به ذکر است که در نظام کیفری اسلام که نظام احسن و اکمل است نیز حق عفو به رسمیت شناخته شده است و اختیار عفو که از حقوق الهی است در مواردی که مصلحت اقتضا نماید یا مفسده ای بر آن مترتب نگردد به ولی امر و امام جامعه تفویض شده است (قاسمی، ۱۳۸۱:۲۰). وجود نهادهایی چون آزادی مشروط، تعلیق مجازات، تعویق صدور حکم و غیره اگر چه تا حدی نیاز به عفو را مرتفع کرده و در مواردی اهداف جامعه و قانونگذار را بهتر تأمین می‌کند؛ اما نیاز به عفو در مواردی محسوس است و این نهاد جایگاه خود را دارد. عفو از قواعد آمره است و رد یا قبول آن از سوی محکوم علیه بی تأثیر است (دانش، ۱۳۷۶:۴۰). اسلام، احکام فرعی عملی خود را با توجه به اصل رأفت، رحمت و تسامح مبتنی بر مصالح و مفاسد واقعی، عقل، فطرت و دقت در رعایت احقاق حق، عدالت، اعتدال و احترام به حقوق مادی و معنوی انسان قرار داده است. قرآن کریم در آیات متعدد علاوه بر توبه و شفاعت و پرهیز از گناهان کبیره، عفو الهی را از جمله وسایل آمرزش و مغفرت و بخشودگی از گناه دانسته که شامل کسانی می‌شود که شایستگی آن را دارند. به موجب بند ۱۱ از اصل ۱۱۰ قانون اساسی و ماده ۲۴ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ و ماده ۹۶ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، عفو باید با پیشنهاد رئیس قوه قضائیه و تأیید مقام رهبری باشد و «در حدود موازین اسلامی» باید به منابع معتبر فقهی و فتاوی مشهور فقها مراجعه کرد. همانطور که ولی امر و امام جامعه حق اعطای عفو خصوصی را دارد حق اعطای عفو عمومی را نیز در مواردی دارد. نسبت به قصاص و دیات که حق الناس هستند ولی امر حق عفو ندارد اما در موارد خاصی، حق عفو از قصاص در مقابل دریافت دیه را دارد. حق عفو ولی امر در حدود، از نظر فقه امامیه فراتر از موارد مصرح در قانون مجازات اسلامی است. با توجه به قانون اساسی به نظر می‌رسد که اختیار هر دو قسم عفو (اعم از عفو عمومی و خصوصی) با رهبری است و در مواردی که قوه مقننه اقدام به عفو عمومی می‌نماید این اختیار از جانب رهبری به وی تفویض شده است. دامنه تأسیس حقوقی عفو به حدی است که علاوه بر اینکه در تمامی مراحل دادرسی می‌تواند مطرح باشد به علت تداخل با فلسفه و اهداف مجازات، موجب عکس العمل متفاوت علمای بزرگ حقوق و در نتیجه اظهار نظرهای مختلف شده است عفو به عنوان یکی از تأسیسات حقوقی از ابتدای تدوین قوانین موضوعه با اقتباس از قوانین کشور فرانسه وارد قوانین کیفری کشور ما گردید و نتیجتاً آرای صادره از محاکم و نیز آراء وحدت رویه و نظریات علمای حقوق بی‌تأثیر از این قوانین نیست.

## مفهوم شناسی

نویسندگان علم حقوق و مفسران و مترجمان قرآن نیز هر کدام، معنای خاصی از عفو را مورد توجه قرار داده‌اند. در کتاب لغت فارسی، به طور عموم، عفو به معنای، از گناه کسی درگذشتن، بخشایش، گذشت (معین، ۱۳۵۳) و در مواردی به معنای مغفرت، ساقط کردن عذاب، احسان خواستن، آمده است (دهخدا، ۱۳۷۷). در قرآن کریم در آیات متعددی از ماده عفو استفاده شده است که با توجه به کاربرد، معنی آن نیز متفاوت است. به عنوان مثال، گاهی در معنی از بین بردن اثر به کار برده شده است «وَلَقَدْ عَفَا عَنْكُمْ» (سوره آل عمران، آیه ۱۵۲) در برخی آیات به معنی سقوط حق، استفاده شده است (اصفهانی، ۱۶۹) «وَأَعْفُ عَنْهَا» (سوره بقره، آیه ۲۸۶)، گاهی با استعمال واژه «عَفْوٌ» «إِنَّ اللَّهَ لَعَفُوفٌ غَفُورٌ»، (سوره حج، آیه ۶) به معنای گذشت از گناه و ترک مجازات آن، (اصفهانی، ۱۶۸) به کار رفته، و بالاخره گاهی به معنای گذشتن از طلب، اراده شده است (سوره بقره، آیه ۲۸۶) «وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ» (سوره آل عمران، آیه ۱۳۴). آنچه مسلم است، این است که بیشترین استفاده از این صیغه در قرآن کریم، همان مفهوم رایج و شایع آن، یعنی از گناه کسی گذشتن و بخشودن یا بخشایش است. عفو انگیزه‌ای است پنهانی که

عقل و دل، در جهت برقراری آرامش روانی و جایگزین نمودن آن به جای ادامه حالت اضطراب و دلهره ناشی از انتقام گیری، ایجاد می نماید. در واقع عفو عمومی، عفو است که به طور کلی و به موجب قانون خاص به مرحله اجرا در می آید و در موردی است که عده زیادی در مقاصد معینی شرکت نموده باشند. این نوع عفو، از طرف قوه مقننه و نسبت به جرایم معین و بدون این که شخصیت محکومین در نظر گرفته شود اعمال می گردد که هدف از آن رعایت مصالح اجتماعی با توجه به فراز و نشیب های سیاسی جامعه است (شیری، ۱۴۶: ۱۳۷۲). مطابق ماده ۹۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲: «عفو عمومی که به موجب قانون در جرائم موجب تعزیر اعطاء می شود، تعقیب و دادرسی را موقوف می کند. در صورت صدور حکم محکومیت، اجرای مجازات موقوف و آثار محکومیت نیز زائل می شود». آنچه که در عرف حقوقی و نظام های قضایی در اختیار بالاترین مقام کشور قرار می گیرد این است که مجازات محکومان پس از اینکه قطعی شد مورد عفو قرار گیرد. از این نوع عفو به عفو خصوصی تعبیر می شود. در کشور ما، عفو خصوصی با پیشنهاد رئیس قوه قضائیه و عالی ترین مقام تصمیم گیرنده کشور یعنی مقام رهبری اعطا می شود (بند ۱۱ اصل ۱۱۰ قانون اساسی). برخی از فقهای امامیه در کتب فقهی در بحث حدود، موضوع عفو را مورد عنایت قرار داده و معتقدند چنانچه مرتکب به حدی از حدود الهی اقرار و پس از اقرار توبه کند، امام و یا حاکم شرع بین اجرای حد و یا عفو مقرر، مخیر و مختار است (شهید اول، ۲۴۵: ۱۴۱۱). فردی مستحق حقی است سپس آن را ساقط می کند، مانند قصاص و یا جبران خسارت (زید، ۱۸۲: ۱۴۱۰). عفو، ترک مجازات، به سبب انجام گناه است (قوچی، ۲۷۱: ۲۰۰۲). عفو، اسقاط حق از روی احسان و جود است، در حالی که قدرت بر انتقام نیز دارد (خموی، ۲۲۵: ۱۳۷۶).

## گفتار اول: انواع عفو عمومی و آثار و ارکان آن

### ۱- عفو عمومی مطلق

در عفو عمومی مطلق، قانونگذار برای بهره مند شدن از عفو، هیچ گونه قید و شرطی برای استفاده ذینفع از آن را در نظر نمی گیرد. مانند ماده واحده لایحه قانونی رفع آثار محکومیت های سیاسی مصوب ۱۳۵۸/۱/۸ شورای انقلاب اسلامی.

### ۲- عفو عمومی مقید

در این نوع عفو، مقنن با هدف فردی کردن قانون عفو، تحقق شرایطی مانند جبران خسارت مجنی علیه یا رضایت وی یا پرداخت جزای نقدی را لازمه استفاده از این قانون قرار می دهد. مانند لایحه قانونی عفو متهمان و محکومان جزایی مصوب ۱۳۵۸/۶/۲۰ شورای انقلاب اسلامی، که در این قانون عنوان گردیده است که شرط شمول آن نسبت به افراد این است که شاکی یا مدعی خصوصی نداشته باشند و یا اینکه از شکایت خود صرف نظر و گذشت نموده باشند.

### ۳- عفو عمومی واقعی

در این قسم عفو، قانونگذار تنها به نوع جرایم ارتكابی و یا مجازات های تعیین شده برای آنها بدون ملحوظ داشتن شخصیت افراد نظر می افکند. لایحه قانونی عفو عمومی متهمان و محکومان جزایی مصوب ۱۳۵۸ را می توان نمونه قانون عفو عمومی واقعی دانست.

### ۴- عفو عمومی شخصی

در عفو عمومی شخصی، مقنن فرد یا افراد خاصی را که دارای ویژگی هایی می باشند مانند رزمندگان، اسیران جنگی و غیره را مد نظر قرار می دهد. در این نوع عفو، عمل مجرمانه جرم باقی است ولی بعضی از طبقات مردم از نظر ارتكاب آن جرم، مورد عفو عمومی قرار می گیرند. مثلاً ممکن است افراد به خصوصی که در یک قتل سیاسی شرکت داشته اند از عفو عمومی برخوردار شوند.

**۵- عفو عمومی خاص**

در مورخ ۱۳۴۶/۴/۱۸ قانونی وضع گردیده که طبق آن اجازه اعطای عفو عمومی، به مقام دیگری واگذار گردیده بود. در این حالت عفو عمومی خود به خود اجرا نمی‌شود بلکه استفاده از آن به نظر مقام دیگری خواهد بود. بر اساس این قانون، دولت مجاز بود که از رئیس مملکت تقاضای صدور فرمان دائر بر عفو و آزادی عده‌ای از زندانیان را که مستحق ارفاق می‌دانست بنماید. البته زمان استفاده از این قانون تا ۱۳۴۶/۸/۱۰ بود. یعنی در جهت اعمال این قانون، محدودیت زمانی پیش بینی شده بود.

**گفتار اول، بخش دوم: آثار عفو عمومی و تأثیر آن بر حقوق اشخاص**

عفو عمومی ممکن است قبل از محکومیت و در مرحله تعقیب باشد و یا پس از آن باشد که آثار گوناگونی را به دنبال دارد. معمولاً آثار عفو عمومی و حدود آن در خود قانون یا دستورالعمل مربوط می‌آید. اما اگر در متن قانون یا دستورالعمل مربوط، ترتیبات خاصی مقرر نشده باشد، آثار عفو عمومی به قرار ذیل خواهد بود: عفو عمومی پیش از محکومیت قطعی، دعوای عمومی را ساقط می‌سازد. بنابراین چنانچه دعوای عمومی تعقیب نشده باشد، پس از آن دیگر تعقیب نخواهد شد و یا اگر تعقیب شروع شده و منتهی به صدور حکم نشده باشد موقوف می‌گردد (اردبیلی، ۲۷۲: ۱۳۸۸). از آنجا که عفو عمومی از قواعد آمره و مربوط به نظم عمومی است شخص نمی‌تواند از قبول آن امتناع نماید و تقاضای تعقیب و رسیدگی به اتهام خود را از مرجع قضایی بخواهد. هر گاه متهم تعقیب شده باشد و دعوای عمومی به صدور حکم قطعی منتهی شود با عفو عمومی آثار محکومیت زایل می‌گردد (صانعی، ۳۲۱: ۱۳۷۱). این آثار عبارتند از:

۱- سقوط مجازات اصلی و نیز مجازات‌های تکمیلی و تبعی. بنابراین محرومیت از حقوق اجتماعی، تبعید و غیره همراه با سقوط مجازات اصلی از بین می‌رود. برای محکوم علیه، سجل کیفری تنظیم نمی‌شود و اگر قبلاً تنظیم شده باشد سابقه محکومیت از آن پاک می‌شود. چنانچه شخص مرتکب جرم دیگری در گذشته شده باشد یا بعداً مرتکب شود، جرم عفو شده مانعی برای بهره مند شدن از تعلیق مجازات و آزادی مشروط نمی‌شود.

۲- در صورتی که محکومیت کیفری در مرحله اجرا باشد، اجرای حکم متوقف و یا اگر قبلاً اجرا شده باشد، آثار تبعی آن متوقف می‌شود. همچنین، ارتکاب جرم جدید مشمول مقررات مربوط به تکرار جرم نمی‌شود.

در یک تقسیم بندی منطقی آثار و نتایج عفو عمومی را می‌توان در ۵ مرحله ذیل مورد بررسی قرار داد:

**۱- تعقیب**

عفو عمومی در هر مرحله‌ای که باشد تعقیب را متوقف می‌نماید. عفو عمومی در تمام مراحل اعم از تعقیب و قبل از صدور حکم و یا بعد از آن قابل اعطا است (گارو، ۷۶۵: ۱۳۴۴).

**۲- محکومیت کیفری**

عفو عمومی محکومیت کیفری را زایل می‌کند و چنانچه قسمتی از مجازات اجرا شده باشد، از اجرای بقیه آن خودداری به عمل می‌آید و محکوم علیه فوراً آزاد می‌شود. عفو عمومی در صورت تصریح قانونگذار، علاوه بر مجرمین اصلی، شرکا و معاونین جرم را نیز شامل می‌شود چرا که عفو عمومی اصولاً صرفنظر از شخصیت مجرمین اعطا می‌گردد؛ مگر اینکه عفو به صورت شخصی باشد که به طبقه خاصی و یا فرد خاصی اطلاق داشته باشد که در این صورت شرکاء و معاونین جرم، قابل تعقیب و مجازات می‌باشند. عفو عمومی از علل سقوط دعوا محسوب می‌گردد، لذا این عفو، عنوان مجرمانه را زایل نمی‌کند و تنها قوه مقننه

اعمال و افعالی را که جرم بوده و هست، به دلایل سیاسی و اجتماعی مورد عفو قرار می‌دهد (شیری، ۶۵: ۱۳۷۲). عفو عمومی علی‌القاعده باعث زوال کلیه آثار محکومیت می‌شود مگر آنکه قسمتی از مجازات بخشیده شده باشد که در این صورت آثار محکومیت کیفری باقی می‌ماند.

### ۳- عفو عمومی و قواعد تکرار جرم

وقتی در اثر عفو عمومی مجازات ساقط و آثار آن نیز زایل گردد، در صورت ارتکاب جرم جدید، مرتکب مشمول مقررات تکرار جرم نخواهد بود. به همین دلیل هیأت عمومی دیوان عالی کشور در رأی وحدت رویه سابق الذکر در تاریخ ۱۳۶۰/۱/۲۳ چنین عنوان نموده است: «... بنابراین محکومیت‌های کیفری مربوط به قبل از تصویب لایحه قانونی عفو عمومی متهمان و محکومان جزایی مصوب ۱۳۵۸/۲/۲۸ در صورتی که بزه‌های موضوع این محکومیت‌ها از مستثنیات مصرّحه در لایحه قانونی مذکور نباشد، فاقد آثار کیفری بوده و در صورت ارتکاب بزه جدید از ناحیه محکوم علیه، رعایت مقررات مربوط به تکرار جرم جایز نیست».

### ۴- عفو عمومی و قانون آمره

عفو عمومی چون مربوط به نظم عمومی است از قوانین آمره محسوب می‌شود؛ لذا با تصویب قانون عفو عمومی، دیگر مرجع قضایی نمی‌تواند متهمین مشمول عفو را تحت تعقیب قرار دهد و یا به جرایم مورد عفو رسیدگی کند. حال اگر محکومی که طبق قوانین مشمول عفو قرار گرفته است، عفو را قبول ننماید و تقاضای رسیدگی و صدور حکم برائت خویش را بنماید، در اینجا تکلیف چیست؟ به نظر می‌رسد اولاً به دلیل اینکه اجرای مجازات و نیز خودداری از اعمال آن مربوط به حاکمیت دولت می‌باشد، لذا اجرای عفو درباره محکوم علیه اجباری است. ثانیاً چون عفو عمومی به منزله اسقاط محکومیت است، در واقع این گونه است که اصولاً جرمی واقع نشده است، بنابراین محکوم علیه نمی‌تواند از پذیرش آن خودداری کند.

### ۵- قلمرو عفو عمومی

اگر چه عفو عمومی علی‌الاصول محکومیت و آثار آن یعنی مجازات‌های سالب آزادی، جزای نقدی و از این قبیل را از بین می‌برد، ولی واقعیت آن است که جرمی واقع شده و عفو عمومی گاهی فقط آثار کیفری مجازات را از بین می‌برد و بسیاری از آثار دیگر جرم باقی می‌ماند. حتی گاه عفو عمومی که اصل جرم را نادیده می‌گیرد برخی از آثار ناشی از واقعه ارتكابی به قوت خود باقی می‌ماند و خارج از قلمرو عفو عمومی قرار می‌گیرد. این آثار عبارتند از:

۱- چنانچه قبلاً تمام یا قسمتی از کیفر اجرا شده باشد محکوم علیه نمی‌تواند به خاطر تحمل قبلی مجازات، تقاضای جبران ضرر و زیان نماید. اگر قبلاً تمام یا قسمتی از کیفر نقدی را پرداخت کرده باشد، نمی‌تواند استرداد آن را بخواهد. همچنین هزینه‌های دادرسی پرداخت شده به وسیله محکوم مسترد نمی‌شود.

۲- عفو عمومی، مسئولیت مدنی را از بین نمی‌برد. عفو عمومی نمی‌تواند اشخاص ثالث را از حقوق خود محروم نماید و حق تعقیب مدعی خصوصی از جهت وصول خسارت به قوت خود باقی است. در یک تعبیر کلی می‌توان گفت: عفو عمومی تأثیری در حقوق زیان‌دیده از جرم ندارد. عفو عمومی دعاوی دیگر ناشی از رفتار مجرمانه را از بین نمی‌برد. همان طور که گذشت در اکثر موارد جنبه جزایی عمل از بین می‌رود و یا متوقف می‌شود و در اکثر موارد خود عمل و نتایج حقوقی آن باقی است. (افراسیابی، ۳۷۳: ۱۳۷۷).

۳- دیه نیز از شمول عفو عمومی مستثنی است. دیه را هر چند قانونگذار مانند جزای نقدی مجازاتی مالی شناخته، ولی در عین حال دین و حق مالی برای مجنی علیه و یا اولیاء دم او و بر ذمه جانی است که فقط با گذشت آنان ساقط می‌شود (اردبیلی، ۲۷۳: ۱۳۸۸).

۴- عفو عمومی شامل تعقیب انضباطی و انتظامی کارمندان دولتی نمی‌شود. به طور کلی، تعقیب انتظامی و انضباطی مستقل از تعقیب کیفری است و حتی براءت از جرمی به شرط آن که به علت عدم ارتکاب آن عمل نباشد مانع تعقیب انضباطی نیست. عفو عمومی، به طور عام به اقدامات کیفری به معنی خاص محدود می‌شود و تدابیر دیگر از جمله اقدامات تأمینی و تربیتی را شامل نمی‌شود. (قاسمی، ۱۳۷۴، ۷۴).

#### گفتار اول، بخش دوم: قسمت دوم: تاثیر عفو عمومی بر حقوق اشخاص

در خصوص تاثیر عفو عمومی بر حقوق اشخاص باید گفت که: ابطال حکم محکومیت جزایی مستلزم بطلان دعاوی حقوقی نمی‌تواند باشد مگر اینکه در قانون خلاف آن تصریح شده باشد. پس عفو عمومی هیچ تاثیری بر حقوق اشخاص زیان‌دیده از جرم ندارد زیرا وقتی مجازات از بین رفت آثار فعلی که باعث زیان شده همچنان باقی است. چون ضمان قهری مرتکبین افعال در مقابل اشخاص و حق مکتسب مردم از اعمال مجرمانه برای مطالبه ضرر و زیان حق دولت نیست تا از آن صرف‌نظر کند پس حتی در مواردی که قانون تصریح به این مطلب نکند باز هم مورد حق مطالبه خسارتهای وارده ناشی از جرم قبلی و جبران آن اثرگذار نیست. نکته قابل توجه دیگر اینکه: عفو عمومی چون مربوط به نظم عمومی است از قوانین آمره به شمار می‌آید در نتیجه پس از تصویب قانون عفو عمومی نهاد تعقیب قضایی نمی‌تواند متهمین مشمول عفو را تحت تعقیب قرار دهد و همچنین دادگاههای کیفری مجاز به رسیدگی به جرائم مورد عفو نمی‌باشند حال اگر محکومی که مشمول عفو عمومی شده است از پذیرفتن عفو سرباز زند و اعلام کند در مورد او اشتباه قضایی رخ داده است و تقاضای رسیدگی و صدور حکم براءت برای خود بنماید یا چنین تقاضایی را می‌توان پذیرفت در پاسخ باید گفت: اولاً چون اجرای مجازات و خودداری از آن جزء اعمال حاکمیت دولت بوده و امری حقوقی نمی‌باشد لذا اجرای عفو درباره محکوم امری اجباری است. ثانیاً: نتیجه عفو عمومی اسقاط محکومیت است مثل اینکه اصولاً جرمی واقع نشده است.

#### گفتار اول، بخش سوم: ارکان عفو عمومی

برای تحقق عفو عمومی دو شرط و رکن اساسی وجود دارد. یکی این که عفو عمومی محتاج به قانون است (ماده ۹۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲) و دیگری این که جرم ارتکاب یافته بایستی قبل از تصویب قانون عفو عمومی تحقق یافته باشد. هر گاه این دو رکن یک جا جمع نباشد، عفو عمومی تحقق نمی‌یابد. البته در مواردی ممکن است عفو عمومی بدون تصویب قانون و به صورت فرمان عفو از سوی مقام رهبری اعطا شود که این مورد را می‌توان این گونه توجیه نمود که چون مرجع اصلی وضع قوانین در حکومت اسلامی، ولی امر است؛ وی حق اعطای چنین عفوی را دارد و اصولاً مشروعیت قوانین در نظام اسلامی ناشی از ولی امر است (گارو، ۷۲۶: ۱۳۴۴). همچنین برخی حقوقدانان گفته‌اند: «قانونگذار که خالق جرایم و مجازات‌هاست می‌تواند وصف مجرمانه را از اعمالی که جرم بوده است بگیرد و یا جرایمی را که ارتکاب یافته از تعقیب و مجازات معاف دارد» (صانعی، ۳۲۲: ۱۳۷۱). با مطالعه در قوانین جزایی ایران چه پیش از انقلاب و چه پس از آن، گر چه در بدو امر به نظر می‌رسد که عفو عمومی از وظایف و اختیارات قوه مقننه است، ولی با عنایت به اختیارات مطلق ولی فقیه در مواردی نیز عفو عمومی متهمین توسط ولی فقیه اعلام گردیده است که از آن جمله می‌توان به عفو عمومی دارندگان سلاح غیرمجاز اشاره نمود (وحدت، ۳۷: ۱۳۱۶).

#### گفتار دوم: عفو خصوصی و مبنای حقوقی آن

عفو خصوصی یکی از تأسیسات حقوقی است که در حقوق جزا سابقه تاریخی داشته و از قدیم الایام در کشورهای مختلف متداول بوده است. عفو خصوصی یکی از انواع عفو و از جمله وسایلی است که در قانون جزا برای ابراز حس عطوفت و شفقت نسبت به محکومان وضع شده است (علی آبادی، ۴۰۱: ۱۳۵۲) و با اعطای آن تمام یا قسمتی از مجازات بخشوده می‌شود. عفو خاص، در واقع نوعی گذشت همراه با منت و تفضل است و کسی که مشمول آن می‌شود، در حقیقت استحقاق آن را ندارد و به همین دلیل فقط بالاترین مقام هر کشور یا سرزمین با استفاده از اختیار خود آن را اعطا می‌کند. از اینرو، اکثر نویسندگان

حقوقی، عفو را در این معنا عبارت از یک وسیله ارفاق و اغماض و رأفت به شمار آورده‌اند که از سوی قدرت حاکم بر جامعه (دارنده اقتدار اجتماعی) نسبت به مقصری که به حکم قطعی لازم الاجرا محکوم شده است ابراز می‌شود و بدین ترتیب عامل سقوط تمام یا قسمتی از مجازات و یا جایگزین ساختن مجازات قابل اجرا به مجازات خفیف تر محسوب می‌شود (لواسور، ۸۷۷: ۱۳۷۷).

### گفتار دوم، بخش دوم: مبنای حقوقی عفو خصوصی

اجرای مجازات همیشه بهترین و موثرترین شیوه اصلاح مجرم نیست زیرا چه بسا افرادی هستند که همین مقدار که خود را خطاکار یافتند، متنبه شده و از راه خطا برمی‌گردند (رفیعی، ۱۴: ۱۳۷۱). گارو در این زمینه معتقد است اجرای صحیح و عاقلانه عفو موجب تشویق محکومین به اتخاذ راه صلاح و ارشاد آنها به اصلاح می‌شود (گارو، ۷۸۰: ۱۳۴۴). نکته دیگر شایان توجه این است که مجازات را قاضی در موقع صدور حکم محکومیت، معین می‌کند و نظر به احوال متهم در همان روز دارد و حال آن که چه بسا احوال غیرقابل پیش بینی بعداً پیدا می‌شود که هر یک از آنها برای قطع و عدم اجرای مجازات کافی است. در مباحث جرم‌شناسی، در اصلاح مجرم دنبال این هستند که شخص مجرم نسبت به زشتی عمل خویش آگاه گردد و از آن متنفر شود به نحوی که دیگر تمایلی به ارتکاب آن نداشته باشد. بحث از تأثیر ندامت در عفو یا تخفیف مجازات، بحث جدیدی نیست. (صادقی، ۲۵۱: ۱۳۷۳).

### گفتار سوم: عفو خصوصی در حقوق ایران و شرایط اعطای آن

حق اعطای بخشودگی امتیازی است که قوای حاکم هر کشور در اختیار دارند تا بتوانند در اعمال حاکمیت خود، مصالح و منافع گوناگونی را تأمین کنند. این امتیاز خصوصاً در جرایم سیاسی به رئیس مملکت اجازه می‌دهد تا با عفو سران و رهبران سیاسی، بار دیگر آرامش و نظم را در جامعه مستقر کند. عفو خصوصی انواع و اقسامی دارد. ممکن است به صورت فردی باشد و یا به صورت دسته جمعی؛ یعنی به مناسبت‌های مختلف تعدادی از محکومان و با اسم و صفت خاص مورد عفو قرار گیرند. گاه ممکن است عفو به صورت خالص و بدون هیچ گونه شرطی باشد و گاه نیز ممکن است به صورت مشروط باشد. همچنین، ممکن است به صورت جزئی باشد و قسمتی از مجازات از بین برود و بالاخره ممکن است در قالب تبدیل به مجازات خفیف‌تر باشد.

### گفتار سوم، بخش دوم: اعطای عفو خصوصی

با توجه به آیین نامه کمیسیون عفو و بخشودگی مصوب ۱۳۷۳/۹/۱۹ شرایط عفو خصوصی عبارتند از:

الف- عفو یا تخفیف مجازات به موجب بند ۱۱ اصل ۱۱۰ قانون اساسی و ماده ۲۴ قانون مجازات اسلامی فقط مخصوص بزه‌کاری است که به موجب حکم دادگاه ذیصلاح، محکوم قطعی شده‌اند. ب- حکم محکومیت باید در حال اجرا باشد، مگر این که موضوع عفو با اجرا از بین برود. ج- محکومان به مجازات حبس باید مدتی از حبس را گذرانده باشند. د- محکومان باید استحقاق عفو خصوصی را داشته باشند و این مهم باید توسط مقامات مجری احراز گردد. ه- جرایم ارتكابی از نوع جاسوسی، ارتشاء، زنا، زانی به عفو و یا سرقت نباشد.

### گفتار چهارم: ویژگی‌های عفو خصوصی و استفاده کنندگان آن و آثار آن و تأثیر آن بر حقوق اشخاص

عفو خصوصی دارای ویژگی‌هایی است که آن را از عفو عمومی و اعاده حیثیت متمایز می‌سازد: ۱- آثاری که عفو خصوصی پدید می‌آورد تنها به آینده مربوط است زیرا این گونه بخشودگی نه جرم را از بین می‌برد و نه حکم را بلکه مادامی که در قانون تصریح نشده باشد حکم همچنان پا بر جا باقی مانده و مجازات‌های تبعی و دیگر آثار مجازات‌ها از قبیل محرومیت از حقوق اجتماعی و مدنی بر آن مترتب می‌گردد و این عفو تنها اجرای مجازات را آن هم به میزانی که در قانون آمده مورد بخشودگی قرار می‌دهد. ۲- این عفو امری شخصی است که به یک نفر یا بیشتر از آن اعطا می‌شود نه اینکه شامل نوع خاص یا بعضی از جرایم گردد.

### گفتار چهارم، بخش دوم: استفاده کنندگان از عفو خصوصی

با عنایت به تصریح قوانین عفو خصوصی فقط کسانی می‌توانند از عفو خصوصی و بخشودگی استفاده کنند که دارای محکومیت قطعی در امر جزایی باشند بنابراین چنانچه فردی در دادگاه بدوی محکوم گردیده و در موعد مقرر تقاضای رسیدگی مجدد نموده باشد چنین فردی را نمی‌توان قبل از صدور رأی قطعی مورد عفو و بخشودگی قرار داد. همچنین بایستی قسمتی از مجازات درباره محکوم اجرا شده باشد. پس محکومی که مجازات وی به موجب حکم غیابی تعیین و حق اعتراض برای وی محفوظ باشد نمی‌تواند از آن استفاده نماید. همچنین بخشودگی نسبت به هر فردی جداگانه اعطا می‌شود. بدین معنا که بخشودگی به طور کلی اعطا نمی‌شود بلکه در مورد هر کس که محکوم به تحمل مجازات است باید رئیس قوه قضائیه (در قوانین جزایی فعلی) به مقام رهبری پیشنهاد نماید و دستور عفو نسبت به همان شخص صادر شود. فلسفه این قاعده آن است که عفو خصوصی از اقدامات مربوط به سیاست جنایی می‌باشد و هر شخص منفرداً و مستقلاً باید مورد توجه و مطالعه قرار گیرد (علی آبادی، ۳۸۵: ۱۳۵۲).

### گفتار چهارم، بخش سوم: آثار عفو خصوصی

پس از موافقت ولی امر با اعطای عفو نسبت به محکومان، از آنجا که این عفو قطعی و از شخص خاص (ولی امر) نشأت می‌گیرد و نه از جانب قانونگذار، واجد آثاری به قرار ذیل می‌باشد:

الف- مهمترین اثر عفو خصوصی سقوط مجازات است. به عبارت دیگر، عفو خصوصی اجرای مجازات را متوقف می‌سازد و در نتیجه محکوم علیه از تحمل تمام یا قسمتی از مجازات معاف می‌گردد (شیری، ۱۶۷: ۱۳۷۲). از سوی دیگر، تخفیف و تبدیل مجازات‌ها تنها نسبت به تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده قابل اعمال است و حدود و قصاص و دیات نیز تابع احکام خود هستند. ب- برخلاف عفو عمومی، عفو خصوصی آثار محکومیت را زایل نمی‌کند. ج- معافیت از تمام یا بخشی از مجازات اصلی، نباید تأثیری بر مجازات‌های تتمیمی و تبعی که از آثار محکومیت کیفری است داشته باشد، مگر آن که در پیشنهاد و فرمان عفو به این گونه مجازات‌ها که نوعاً تعزیری است تصریح شده باشد. د- عفو خصوصی نسبت به حقوق زیان‌دیدگان از جرم بی اثر است. ه- عفو خصوصی تأثیری در مورد شرکاء و معاونین جرم ندارد. چون عفو خصوصی به مجرم توجه دارد نه به جرم و عمل ارتكابی، لذا جنبه شخصی و فردی دارد.

### گفتار چهارم، بخش چهارم: آثار عفو خصوصی بر حقوق اشخاص

در خصوص حقوق اشخاص ثالث باید گفت که عفو خصوصی تأثیری در حقوق متضرر از جرم ندارد؛ بلکه محکوم باید نسبت به پرداخت ضرر و زیان مورد حکم اقدام کند یا قراری در این خصوص گذاشته و یا رضایت مدعی خصوصی را جلب کرده باشد. این شرط در کلیه آئین نامه‌های کمیسیون عفو و بخشودگی تصریح شده است.



**گفتار پنجم: وجه تمایز عفو عمومی از عفو خصوصی**

تفاوت عفو عمومی و خصوصی در این است که عفو عمومی، عام و کلی است و به هر دو دسته مجرمان عادی و سیاسی تعلق می‌گیرد، در حالی که در عفو خصوصی این گونه نیست. یکی از حقوقدانان می‌نویسد: «اول آنکه اثر عفو خاص مربوط به آینده است و جرم باقی می‌ماند. دوم آنکه محکومیت را باقی می‌گذارد. (گارو، ۷۸۸: ۱۳۴۴). بدیهی است عفو خاص از قواعد کلی نیست، بلکه قاعده‌ای است فردی و نسبت به اشخاص معین و مشخصی از گروه‌های مختلف اجرا می‌شود، در حالی که عفو عام، نوعی است و شخص خاصی را در نظر ندارد. به طور خلاصه در مقام مقایسه بین عفو خصوصی با عفو عمومی باید گفت:

۱- عفو عمومی قابل تسری به گذشته و مبطل آثار جرم و اتهام است در صورتی که عفو خصوصی نوعاً ناظر به زمان آینده است. عفو عمومی حتی قبل از تعقیب جزایی، حین محاکمه و پس از صدور حکم و قطعیت آن قابل اجراست ولی عفو خصوصی تنها وقتی ممکن است که حکم قطعی شده باشد.

۲- در عفو عمومی وضعیت مرتکب چندان مورد نظر نیست بلکه غالباً نوع جرم و ویژگی‌ها و زمان وقوع آن مد نظر می‌باشد اما عفو خصوصی جنبه فردی داشته و در مورد شخص یا اشخاص است. به همین جهت در عفو عمومی، شرکاء و معاونین جرم نیز مشمول عفو قرار می‌گیرند ولی در عفو خصوصی چنین نیست.

**گفتار ششم: تبیین عفو محکومین در قصاص و دیات**

از آنجایی که در حقوق اسلام، قصاص و دیات حق الناسی هستند، تنها مجنی‌الیه یا ولی دم می‌تواند از حق عفو استفاده کرده و تقاضای دیه نماید (موسوی خمینی، ۳۱۵: ۱۳۸۰) همچنانکه دیه را نیز می‌تواند ببخشد. و هر کدام را ببخشد مجرم از آن بری الذمه می‌شود. بدین ترتیب ملاحظه می‌شود که قصاص و دیات دارای مشترکات زیادی هستند چرا که هر دو از حقوق الناس هستند و در هر دو با گذشت شاکی خصوصی مسأله منتفی می‌شود.

**گفتار هفتم: عفو در قصاص و دیات**

عفو در این کیفرها، جز از سوی صاحب حق و با اجازه او جایز نیست. چرا که چنین چیزی مقتضی حق الناس بودن و بر طبق قاعده است. قاعده‌ای که طبق آن حق بخشیدن و عفو نمودن برای حاکم و ولی فقیه نیازمند دلیلی است که آن را اثبات کند و اصل اولی در حقوق الناس این است که نمی‌توان چنین حقی را برای ولی فقیه پذیرفت.

**گفتار هشتم: عفو محکومین در مجازات‌های تعزیری**

اختیارات حاکم اسلامی و قوه مقننه در تعزیرات بسی گسترده‌تر است؛ چرا که او حق معین کردن اندازه کیفر و چگونگی آن را به گونه‌ای که کمتر از حد باشد را دارد. این جرایم مانند حدود و قصاص و دیات محدود نیستند و قابلیت تعیین نیز ندارند. شارع مقدس بعضی از آنها همانند ربا، خیانت در امانت، و رشوه را تصریح نموده است و تصریح و بیان بعضی دیگر را به ولی امر واگذاشته است که بزرگترین بخش جرایم تعزیری می‌باشند. هدف شارع مقدس از اعطای حق تشریح این قسم از مجازات به ولی امر این است که حاکمان اسلامی را برای تنظیم اجتماع به جهت صحیح و محافظت و دفاع از آن قادر سازد و اگر عملی را مضر به مصالح اجتماع و یا امنیت جامعه تشخیص داد آن را حرام نماید و یا سرپیچی از قوانین اجتماعی را کیفر دهد (عوده، ۱۴۷: ۱۳۷۲).

## نتیجه گیری :

اختیار عفو به طور مطلق به حاکم اسلامی که همان ولایت مطلقه فقیه است اعطا گردیده . اما حقوق دانان معتقدند صرفاً عفو خصوصی که همان عفو محکومان است برابر بند ۱۱ اصل ۱۱۰ قانون اساسی و ماده ۹۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ از اختیارات رهبری است در غیر این صورت موضوع عفو در صلاحیت مجلس شورای اسلامی می باشد. جرایم مشمول حد، طبق نظر مشهور فقها، حق الله هستند مگر قذف که در مورد آن نیز اختلاف آرا وجود دارد. عده‌ای از فقهای امامیه که نظر مشهور را نیز دارا هستند عقیده دارند که چنانچه متهم اقرار به حدی از حدود نماید و سپس توبه کند امام مخیر است بین اجرای حد و عفو وی و اگر بینه بر حدی اقامه شد امام اختیار بخشش ندارد. به نظر می‌رسد در مواردی ولی فقیه می تواند از اجرای حدود چه مربوط به حق الله باشد و چه مربوط به حق الناس خودداری ورزد و این امر با عنایت به مصالح جامعه مسلمین است و در اینجا ولی امر از اجرای حد جلوگیری می‌نماید و یا اجرای آن را به تأخیر می‌اندازد. در قصاص و دیات نیز که جزء حقوق الناس محسوب می‌شوند، اصولاً عفو جز از سوی صاحب حق پذیرفته نیست. از نظر فقهی و قانونی در خصوص فردی که ولی نداشته باشد حاکم اسلامی حق استیفای قصاص را دارد. در خصوص عفو جانی چنانچه مجانی نباشد و به مصلحت مولی علیه باشد او می‌تواند عفو نماید و در نهایت دیه را از بیت المال پرداخت نماید. در خصوص مجازات های تعزیری ، کیفر به تناسب جرم ارتكابی و حق عفو محکومین به دست حاکم اسلامی است و ولی امر مسلمین بر اساس قاعده «التعزیر بما یراه الحاکم» همان گونه که حق تعزیر و عفو را دارد، حق گذشت از مجرم و عفو او را نیز در هر زمان که تشخیص دهد و مصلحت جامعه مسلمین باشد داراست. ولی اصولاً عفو محکومین نباید به حقوق مکتسب و شخصی افراد لطمه‌ای وارد نماید.

## منابع و مأخذ:

## «قران کریم»

۱. ابن عبدالکریم، زید، العفو عن العقوبه فی الفقه الاسلامی، جلد ۳، الریاض، دارالعاصمه، النشر الاولی، ۱۴۱۰ ه.ق، ص ۱۸۲.
۲. اردبیلی، محمد علی، حقوق جزای عمومی، جلد دوم، تهران، چاپ بیستم، نشر میزان، ۱۳۸۸.
۳. افراسیابی، محمد اسماعیل، حقوق جزای عمومی، جلد ۲، تهران، انتشارات فردوسی، ۱۳۷۷.
۴. آخوندی، محمود، آیین دادرسی کیفری، جلد اول، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۲.
۵. آشوری، محمد، آیین دادرسی کیفری، جلد اول، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۷۵.
۶. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، ج ۴، تهران، کتابخانه گنج دانش، ۱۳۷۸.
۷. حموی، یاقوت، معجم البلدان، جلد چهارم، بیروت، دار صادر، ۱۳۷۶ ه.ق.
۸. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، تهران، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۷.
۹. رفیعی، عطاء الله، «بررسی جایگاه عفو در تنبیه»، روزنامه رسالت، شماره ۱۹۱۴، مورخه ۱۳۷۱/۶/۵.
۱۰. شهری، غلامرضا و سروش ستوده جهرمی، نظریه‌های اداره حقوقی قوه قضائیه در زمینه مسائل کیفری از سال ۵۸ تا ۷۱، جلد ۱، انتشارات روزنامه رسمی کشور، تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۷.
۱۱. شهید اول، محمد بن جمال الدین مکی العاملی، اللمعه دمشقیه، تهران، انتشارات یلدا، ۱۴۱۱ ه.ق.
۱۲. شهید ثانی، زین الدین الجبعی العاملی، الروضه البهیة فی شرح اللمعه دمشقیه، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۳۷۲.
۱۳. شهیدی، سید جعفر، تاریخ تحلیلی اسلام، تهران، چاپ سیزدهم، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۱.
۱۴. شیرینی، عباس، سقوط مجازات در حقوق کیفری اسلام و ایران، تهران، مرکز انتشارات جهاد دانشگاهی شهید بهشتی، ۱۳۷۲.

۱۵. صادقی، محمد هادی، گرایش کیفری سیاست جنایی اسلام، رساله دکتری حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۳.
۱۶. صانعی، پرویز، حقوق جزای عمومی، جلد دوم، تهران، گنج دانش، ۱۳۷۱.
۱۷. علی آبادی، عبدالحسین، حقوق جنایی، جلد ۲، چاپخانه بانک ملی، ۱۳۵۲.
۱۸. عمید زنجانی، عباسعلی، فقه سیاسی، جلد دوم، تهران، امیرکبیر، بی تا.
۱۹. قاسمی، ناصر، اقدامات تأمینی و تربیتی در حقوق کیفری ایران، تهران، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۷۴.
۲۰. قاسمی، ناصر، اقدامات تأمینی و تربیتی در حقوق کیفری ایران، تهران، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۷۴، ص ۷۴.
۲۱. قوجی، علی عبدالقادر، شرح قانون اصول المحاکمات الجزائیه، بیروت، منشورات الحلبي الحقوقیه، ۲۰۰۲ میلادی، صص ۲۷۱-۲۷۲.
۲۲. گارو، رنه، حقوق جزا، ترجمه سید ضیاء الدین نقابت، جلد دوم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۴.
۲۳. گلدوزیان، ایرج، بایسته‌های حقوق جزای عمومی (۱-۲-۳)، تهران، چاپ دهم، نشر میزان، ۱۳۸۴.
۲۴. لواسور، استفانی، و همکاران، حقوق جزای عمومی، جلد اول، ترجمه: حسن دادبان، تهران، چاپ اول، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۷۷.
۲۵. لیثی الواسطی، علی بن محمد، عیون الحکم و المواعظ، قم، دارالحديث، ۱۳۷۶، ص ۲۶۷.
۲۶. مجموعه قوانین اولین دوره قانونگذاری مجلس شورای اسلامی، از ۱۳۵۹/۳/۷ تا ۱۳۶۳/۳/۶، چاپخانه مجلس شورای اسلامی، اسفند ۶۳.
۲۷. مشیری، مهشید، فرهنگ زبان فارسی، تهران، انتشارات سروش، ۱۳۶۹.
۲۸. معین، محمد، فرهنگ فارسی، جلد ۲، تهران، موسسه انتشارات امیر کبیر، چاپ دوم، ۱۳۵۳.
۲۹. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، جلد سوم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۸.
۳۰. موسوی خویی، ابوالقاسم، مبانی تکمله المنهاج، جلد یک، نجف، مطبعه الاداب النجف، ۱۹۷۶ میلادی.
۳۱. میری، سید عباس، «گزارشی از تصویب اصل ولایت فقیه در قانون اساسی»، مجله حوزه، شماره ۸۶-۸۵، سال ۱۳۷۷.
۳۲. نائینی، محمد حسین، تنبیه الامه و تنزیه المله، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۵۸.
۳۳. نراقی، احمد، عواید الایام، قم، چاپ بصیرتی، ۱۴۰۸ ه.ق.
۳۴. نوربها، رضا، زمینه حقوق جزای عمومی، تهران، چاپ هشتم، نشر دادآفرین، ۱۳۸۶.
۳۵. وحدت، مهدی، مجموعه حقوقی، سال یکم، ش ۱۳، اداره فنی وزارت عدلیه، ۱۳۱۶.